

UZBEK
KAZAKHSTAN

And
Zhetysay
Heushobi
Tor
BIB
And
And
And



مطالعات فرنگی
کتابخانه علم و ادب



ایران در گذرگاه تاریخ هنر

دکتر غلامعلی حاتم

عضو هیأت علمی دانشگاه هنر

چکیده

آثار و مدارک باستانی و تاریخی نمایشگر زندگی یک ملت است. یادبودهای گذشته برای سرزمین ما پرارزش و گرانبها هستند. شناخت تاریخ تمدن ایران در ادوار گذشته و ترقیات هنری آن در طول تاریخ برپایه شایستگی این مملکت لازم است. آشنایی با فرهنگ و هنر ایران و شناخت نخستین سکونتگاه‌های این قوم، بهترین و قطعی‌ترین سند عظمت و شوکت ایران در اعصار گذشته است. آثار هنری به جای مانده از دوران گذشته شناسنامه فرهنگی و اجتماعی سرزمین کهنسال ماست. ایرانیان حق دارند به خود بیاندازند زیرا در جهان فرهنگ و هنری بی نظیر دارند. شاهد این مدعا آثار عظیمی است که در این سرزمین کهن است.

واژگان کلیدی

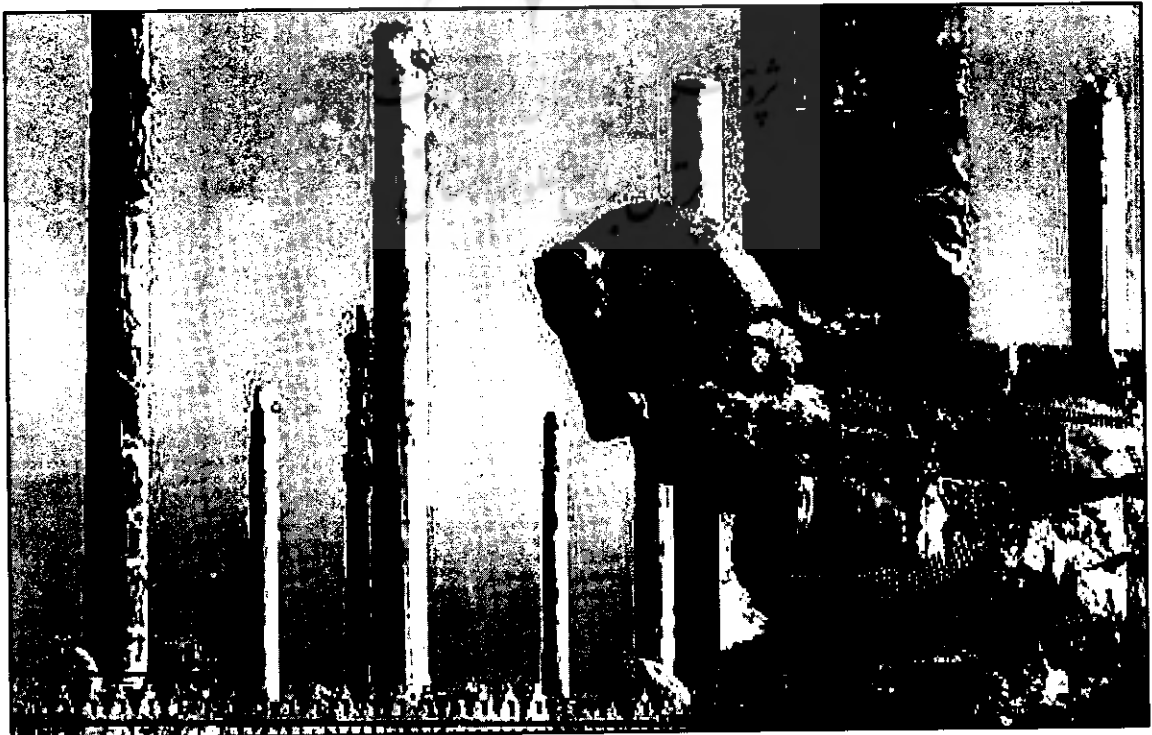
فلات ایران، تاریخ هنر باستانی، هنر

مقدمه

نظر مادی و چه از نظر معنوی بر گنجینه تمدن جهان بسیار افزوده‌اند. ایرانیان از ابتدای تاریخ خود به واسطه روحیه ملی و موقعیت جغرافیایی خاص همواره آزادمنش و اهل مدارا بوده‌اند. با وجود همین روحیه پس از اخذ و برخورد با عقاید و فنون و علوم دیگر ملتها، می‌توانستند با توجه به پایه اصیل تمدن موجود در کشور، آن‌را به صورتی والاتر و بهتر از آنچه گرفته‌اند، در آورند. ایران با سابقه ارزنده و درخشان تاریخی خود سهم بزرگی در بنیان‌گذاری پیشرفت تمدن و فرهنگ جهان داشته است، و بزرگان علم و ادب که در طی قرون و اعصار از این سرزمین برخاستند در تحکیم مبانی مدنیت و پرورش فکر و گسترش دانش و هنر و معرفت به اقصی نقاط جهان تاثیر داشته و در قرون متمادی بین سایر ملل نیروی مولد و حیات بوده‌اند.

ایرانیان در هیچ حال از ادای رسالتی که در دنیای متمدن بر عهده داشتند غافل ننشستند و هر مهره‌ای را به تناسب عهد و فراخور زمان به شکلی برای ابراز استعداد خداداد و اندیشه و ذوق لطیف خود مورد استفاده قرار داده‌اند. آثار به جای مانده از روزگاران گذشته گواه بر تمدن و آداب و رسوم و خلیقات مردم سرزمین ماست. این آثار بی‌آنکه زبانی داشته باشد، حکایت از مهارت

تحقیقات زمین‌شناسی نشان می‌دهد زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده‌های یخ پوشیده بود فلات ایران از دوره باران می‌گذشت. در این زمان، انسان پیش از تاریخ بیشتر در حفره‌های غارها یا پناهگاه‌های سنگی فلات ایران زندگی را می‌گذرانید و بعدها به دشت روی آورد و یکجانشینی را آغاز کرد. سکونتگاه‌های زیادی از این زمان کشف شده که استقرار اولیه انسان را در فلات ایران و تپه‌های مصنوعی نشان می‌دهد. کاوش‌های باستانی گویای این حقیقت است که در فلات ایران از روزگاران بسیار قدیم طوایف و اقوام مختلفی با تمدن‌های مشابه و از نژادهای متفاوت زندگی می‌کردند که تاریخ تمدن بعضی از این اقوام از ۴ هزارسال پیش از میلاد تجاوز می‌کند. از اینها خط و آثار مدنی معتبری بر جای مانده است. (حاتم، ۱۳۸۱، ص ۸۷) برای شناخت این دوران و آگاهی از این آثار به جای مانده، چگونگی پیدایش این آثار و بقایای آنها باید به سیر تحول هنر و گذرگاه‌های تاریخی آن توجه داشت. آثار به جای مانده از روزگاران گذشته معرف تمدن، آداب و رسوم و خلیقات مردم ایران زمین است. مردم فلات ایران در دوره طولانی تاریخ خود چه از



خالق خود و بیانگر فرهنگ و هنر اصیل و جلوه‌های زیبایی هنر در گذشته هستند. (همان منبع، ص ۶) ایران از روزگار قدیم، پایگاه بزرگ تمدن و یکی از بزرگترین مایه‌های غنای گنجینه هنر و فرهنگ جهانی است که گرانبیاری تاریخ تمدن بشری از آن به خوبی احساس می‌شود.

قصد نیست که راز و رمز بقای این ملت را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهم و نمی‌خواهم به افتخارات و سربلندی‌های دیرین غرور آفرین ملت خود بیایم، تنها در این گذرگاه تاریخ هنر می‌خواهم یادآور شوم که یکی از اسرار بقاء و ادامه رشد و زندگی این ملت دیرپای کهنسال متمدن، پایداری در طول تاریخ است که با وجود تنوع اقوام و طوایف و همچنین پاره‌ای اختلافات نژادی، زبانی، قومی و فرهنگی، در زمانی که مساله موجودیت و بقای میهن و ایران در میان بوده است اقوام مختلف ایرانی برای نجات کشورشان یک پارچه شده‌اند.

ایران در طول تاریخ، به دفعات بر اثر هجوم بیگانگان چنان دستخوش ویرانی شد که ظاهراً امکان تجدید حیات در بخش‌هایی از آن هرگز متصور نبود، اما بارها پس از چنین آزمایش تلخ، فرهنگ ایران از نو جان گرفت و هیچ یک از سلسله‌های مهاجم با اهمیت و کم اهمیت نتوانستند تغییر مهمی در وجوه و خصایص فرهنگ و تمدن ایران به بار آورند، در عوض طبقات حاکمه آنان به شدت تحت نفوذ و تاثیر سنت‌های ایران قرار گرفتند. از نخستین روزگاران فلات ایران برای اقوام مهاجر، که به سوی باختر می‌رفتند، گذرگاهی دل‌انگیز بود و نیز برای رهبران نظامی بزرگ سر منزل و متصدی غنی و پر ثروت به شمار می‌رفت. ایران در چهار راه تمدن‌ها و در قلب دنیای کهن، بی‌آنکه اصالت خود را از دست دهد از آغاز تاریخ تا به امروز حکم رابط و پیونددهنده شرق و غرب را داشته است.

کشفیات باستان‌شناسان در ایران بیانگر این حقیقت است که تمدن از فلات ایران رو به مغرب و جلگه بین‌النهرین رفته است و می‌توان گفت یکی از معابر طبیعی دنیای قدیم از شرق به غرب و از باختر به خاوران، ایران زمین بوده است. در این معبر طبیعی همچنان که آدمیان و قافله‌های بزرگ و مصنوعات بشری در رفت‌وآمد بودند، بسی از افکار، عقاید، اندیشه‌ها و رسوم و آداب و هنر هم همراه همان عابرین از رفت و

آمد باز نمی‌ایستادند.

تا چند سال پیش هنوز باستان‌شناسان تصور می‌کردند که نخستین نقطه‌ای که تمدن قابل توجهی در آن بوجود آمد، ناحیه بین‌النهرین مانند «جارمو» و «تل حلف»، «العبید» و غیره بوده است در حالی که کاوش‌های گنج‌دره در اطراف کرمانشاه توسط پرفسور «اسمیت» و کشفیات پرفسور «برایدوود» در تپه سراب کرمانشاه و چند نقطه در نواحی کوهستانی شمال بین‌النهرین و کردستان شاهد سکونت و استقرار انسان‌هایی هستند که به تازگی از زندگی غارنشینی دست برداشته و می‌خواسته‌اند شهرنشین شوند فاصله بین کشفیات «کارلتون کول» آمریکایی غارهای هوتو و کمر بند در بهشهر در سواحل دریای خزر و پرفسور برایدوود در کرمانشاه با کشفیات تپه سیلک در کاشان توسط پرفسور «گیرشمن» و نواحی دیگر ایران که خالی مانده بود حفاری‌های گنج‌دره ثابت کرد که در حدود ۹۰۰ سال پیش در اطراف کرمانشاه انسان‌هایی سکونت داشته‌اند.

این تاریخ‌ها، علاوه بر مشخصات مربوط به علم باستان‌شناسی به وسیله تجزیه رادیو اکتیو نیز تایید شده است، بنابراین شکی در قدمت و تاریخ دقیق آن نیست. (بهنام، شهریور ۱۳۵۲)

کاوش‌های گنج‌دره نشان داد که کهن‌ترین مکان در فلات ایران که برای استقرار اجتماعات انسانی مورد استفاده قرار گرفته در اطراف کرمانشاه کنونی بوده است. این امر مسلم است که تاکنون هرچه در قسمت‌های مختلف فلات ایران پیدا شده حاکی از تمدنی است که از حدود ده هزار سال پیش از میلاد هیچ تجاوز نمی‌کند و آثار مراحل اولیه زندگی بشر در این نواحی هنوز به دست نیامده است. این مطلب دلیلی بر این نیست که این مردم مراحل اولیه زندگی را در نقاط دیگری از جهان گذرانده و فقط در حدود ۱۲ هزار سال پیش وارد این سرزمین شده‌اند. شاید دلیل اصلی این امر این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم به آثار مراحل اولیه زندگی این مردم دست بیابیم. (بهنام، خرداد ۱۳۵۲، ص ۲)

در زمانی نه چندان دور کلنگ باستان‌شناسان در حاشیه کویر به اعماق تاریخ کهن نقب زد تمدنی که در زیر شن‌های کویر خفته بود سر از خواب سنگین قرون اعصار برداشت و چشم‌انداز تازه‌ای در ازمنه پیش

از تاریخ به وجود آورد. با اکتشافات دشت لوت ما به یکی از شگفت‌انگیزترین تمدن‌های جهان باستان راه یافتیم و ابزار هنر و فرهنگ و چگونگی زیست مردمی را شناختیم که از پیشروترین اقوام روزگار خود بودند.

بدینسان برگ‌هایی از تاریخ کهن ایران تغییر یافت و حقایق تازه‌ای رخ نمود. که در جهان باستان‌شناسی و تاریخ‌نویسی یک فتح به‌شمار می‌رفت. (حاکمی، ۱۳۵۲، ص ۷۹) حفارانی‌های چندین ساله در خرابه‌های شوش و اراضی هفت تپه دیگر تپه‌های باستانی بود که بیانگر خدمات بزرگ تمدن و تاریخ بوده است. پیدایش آثار مختلف ساختمانها، اشیاء و آلات سفالی رنگین نقش مجسمه‌های گلی، ظروف گلی پخته، امهار گلی، الواح نوشته شده و هزاران نوع اشیاء دیگر باب بزرگی در تاریخ هنر قبل از میلاد و به‌طور کلی دامنه تاریخ هنر ایران را بیش از هزار سال قبل ثابت و محقق ساخته است. (مشکوتی، ۱۳۴۷، ص ۲۱)

تمدنی که امروز ما وارث آن هستیم، وصل به هزاران سال کار و کوشش و احترام است که هر یک برای مدتی کوتاه یا دراز مسئولیت کشیدن مشعل تمدن این سرزمین را به عهده داشته‌اند. از آنجایی که بخش زیادی از تاریخ هنر ایران هنوز در زیر خاک مدفون است اطلاعات ما و بیشترین مدارک گفتاری ما به گزارش‌ها، کاوش‌ها و حفاری‌های باستان‌شناسانی است که در دورافتاده‌ترین نقاط ایران برای روشن ساختن نکات مهم تاریخ، آثار گوناگون را از دل خاک بیرون کشیده‌اند.

با مدارکی که در دست است، تاریخ هنر ایران از شش الی هفت هزار سال پیش آغاز می‌شود و در هر عصر گوناگون و متنوع می‌گردد و به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه همواره در طول تاریخ در معرض تاخت و تاز قرار داشته است، اما با این همه رویدادها و حوادث ناگوار خللی بر طبع و اراده هنرآفرینان این سرزمین وارد نیامده است. حتی عمق تمدن ایرانی در طول قرون بسیار با سهولتی شگفت‌انگیز همه بیگانگانی را که در خاک ایران مستقر شدند در خود حل کرد. (گروسه، ۱۳۵۰، ص ۵۶)

به نوشته دکتر کریستی ویلسن در طرح صنایع ایران راهنمای تمام عالم بوده است. (ویلسن، بی‌تا، ص ۱۱) استعداد و پیشوایی ایران در عالم هنر یا صنعت مورد تصدیق علما و اشخاص اهل فن می‌باشد و اساسی‌ترین و مهمترین فعالیت قوم ایرانی و گرانبهارترین خدمت آنان

به تمدن جهان است.

پرفسور «رمان گیرشمن» می‌گوید: ایرانیان نخستین ملتی بودند که امپراطوری جهانی به‌وجود آوردند و روح عدالت و آزادمنشی را که تا آن زمان بر بشر مجهول بود بسط و اشاعه دادند. (گیرشمن، ۱۳۳۶، ص ۱۱۷)

پرفسور «پوپ» در کتاب شاهکارهای ایرانیان می‌نویسد: هنگامی که اروپا در قرون تاریک خفته بود علم و هنر اسلامی نیمی از جهان را منور ساخت و سرچشمه این نور ایران بود. وی می‌افزاید: بزرگترین منبع و بادوام‌ترین و مشخص‌ترین خدمت ایران به جهان در رشته هنر و صنایع بوده است... و باز اضافه می‌کند: جهان به پژوهشگران و افزارمندان و هنرمندان بزرگ ایران نیاز دارد. (پوپ، ۱۳۸۰، ص ۵)

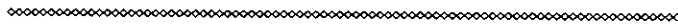
باز «رنه گروسه» در مقاله «ایران در چهارراه تمدن جهان» می‌نویسد: یکی از ضمیرات ایران برخورداری تمدن بسیار کهن این سرزمین از یک جنبه استمراری شگفت‌انگیز است که شاید نظیر آن را در هیچ جای دیگر جهان نتوان یافت. مشعل تمدن و فرهنگ که در طی تاریخ در فلات ایران افروخته شد تا به امروز هرگز خاموش نشده است. وی ایران را یکی از کهن‌ترین تمدن‌های جهان می‌داند و اضافه می‌کند ایران با ایمان نو، پای به عصر اسلامی می‌گذاشت در این حیات نو راه‌هایی تازه و امکاناتی فزون‌تر برای تجلی تمدن و فرهنگ خویش یافت زیرا مسلمان شدن ایران متقابلاً این نتیجه را در برداشت که راه را برای نفوذ اندیشه و هنر ایران و مقیاس وسیع‌تر در مناطق پهناتری از دنیای اسلامی هموار کرد. (گروسه، ۱۳۵۰، ص ۶۵)

و کلام آخر اینکه ایران به حق می‌باید خویش را عضو سربلند و شایسته خانواده بشری بداند زیرا ملتی است که به شهادت تاریخ، فرهنگ نیرومند و دلپذیری را در طول قرون اعصار پرورش داده و همواره در خدمت تفاهم و همفکری و دوستی بشری به‌کار گرفته است. از بین ملل غیر عرب ایران نخستین ملتی بود که مفهوم واقعی اسلام را دریافت و با اسلام و خاندان او پیوندی استوار بست. از میان کلیه ملل شرق، ایران اولین ملتی که فلسفه یونانی را هضم و جذب کرده و در جمع همه ملل، نخستین ملتی بود که به‌وسیله عرفا و صوفیان خود اندیشه بودائی و برهمنی هند را به‌صورت قابل قبول دنیای اسلامی درآورد. ملل و جوامع گوناگون و بسیار

متنوعی در روزگاران و در دوران حاضر تنها با رشته اندیشه ایرانی و با اعجاز شعر پارسی با یکدیگر ارتباط معنوی داشته و دارند، شاعران ایران در این راه به مرزهای جهانی و بشری دست یافته‌اند. (همان منبع، ص ۶۶)

امروز دیگر موقع آن رسیده است که باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان در نوشته‌های خود تجدید نظر کنند و خاک کشور ما بیش از آن که تاکنون نشده زیرو رو گردد

و اسرار کهن پرده از روی خود بردارد. به گفته آرتور اپهام پوپ ایران‌شناس و هنرشناس بزرگ معاصر: «هنر ایرانی هدیه دایم ملت ایران به تاریخ جهان بوده است. «و در همه ادوار باستانی این هنر نیروهای آسمانی را می‌جوید» همین دیدگاه در دوره اسلامی نیز در ایران تداوم یافته است.»



منابع:

- ۱- بهنام، عیسی، «نخستین جامعه‌های انسانی در سرزمین ایران»، مجله هنر و مردم دوره جدید شماره ۱۱۶ خرداد ۱۳۵۱.
- ۲- بهنام، عیسی، کاوش‌های «گنج‌دره»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۳۱، شهریور ۱۳۵۲.
- ۳- بهنام، عیسی، «آثار هفت‌هزار ساله دشت قزوین»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۸، خرداد ۱۳۵۲.
- ۴- پوپ، آرتور اپهام، ۱۳۸۰، «شاهکارهای هنر ایران»، اقتباس و نگارش، پرویز نائل خانلری، تهران.
- ۵- حاتم، غلامعلی، «آشنایی با هنر در تاریخ ۱»، تهران، دانشگاه پیام نور ۱۳۸۱.
- ۶- حاکمی، علی، «دشت لوت»، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۷، اردیبهشت ۱۳۵۲.
- ۷- گروسه، رنه، «ایران در چهارراه تمدن جهان»، کاوه، مهر ماه ۱۳۵۰.
- ۸- گیرشمن رمان، «ایران از آغاز تا اسلام»، ترجمه محمد معین، انتشارات بنگاه، ترجمه نشر کتاب.
- ۹- مشکوتی، نصرت‌الله، «تگاهی به گنجینه‌های باستانی و هنر ایران»، مجله هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۷۱.
- ۱۰- ویلسن، کریستی بی‌تا، «تاریخ صنایع ایران»، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات فرهنگسرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی